

ایران زندگی

یک صبح زمستانی در نخستین کلیسای جامع جهان

دو هزار سال پس از
تادئوس مقدس

۱۲ صفحه

ناکامی «ایلان ماسک»
در بحران اینترنت «تونگا»

۱۱ صفحه

سن رشد کاهش پیدا کرده است

در تعلیم و تربیت و در روان شناسی، عنوانی به نام مرحله حساس رشد داریم؛ در زیان آموزی، این سن ۳ تا ۴ سالگی و در اجتماعی شدن تقریباً در سنین آغاز مدرسه رفتن که ۶ تا ۷



رضا ولدفانی
روانشناس

یادداشت

سالگی است، البته موضوعی به‌عنوان کاهش سنین رشد با توجه به ورود رسانه‌ها و فضای مجازی به مراحل رشد کودکان نیز وجود دارد. فرزندان حتی در سنین پایین با رسانه‌ها درگیر شده‌اند، به‌عنوان مثال آموزش‌هایی ناخودآگاه از طریق انیمیشن و فضای مجازی به‌صورت دیداری و شنیداری به کودکان داده می‌شود، این موارد باعث شده تجربیات کودکان افزایش داده و سبب شده سنین رشد کاهش پیدا کند، به این زمینه هم باید در جهت منفی و هم در جهت مثبت نگاه شود. در حال حاضر ۶ تا ۷ سالگی دیگر حد نهایت سنین رشد شده و بسیاری از بچه‌ها در سن آموزش‌های زیادی دیده‌اند. حتی کودکی که قبل از ورود به مدرسه، مهد کودک هم نرفته از طریق تلویزیون و ارتباط با فضای مجازی و ارتباط با همسالان و خیلی از ارتباطات دیگر، تجربیات بسیار بیشتری از همسن‌های خود در سالیان گذشته دارد، ۲۰ سال پیش یک کودک ۶ ساله تجربیات کودکان نسل جدید را نداشت؛ جالب اینجاست که تصور می‌شود، فرزندان امروز باهوش‌تر هستند، این در حالی است که این‌گونه نیست و تجربیات کودکان بیشتر شده، همین امر هم می‌تواند ورود به اجتماع را سرعت ببخشد؛ البته اگر در این زمینه کار نشود، ورود سریع به ارتباطات اجتماعی می‌تواند با خود تأثیرات منفی به همراه داشته باشد. در سنین دبستان هم بحث آموزش‌های ارتباطات اجتماعی ادامه دارد، موضوع مهمی که در اجتماعی شدن در دوران مدرسه وجود دارد، ایجاد هیجان، انگیزه و جاذبه در کسب آموزش و تجارب در مدارس است ولی تا همین چند سال پیش به هیچ‌عنوان این مسائل وجود نداشته اما خوشبختانه مدتی است که مورد توجه قرار گرفته است. دیده شده معلمینی با ذوق و سلیقه خود کلاس را جذاب می‌کنند اما این کار سیستماتیک نیست، درس‌ها خشک و کلاسیک و غیرجذاب اند و این معلمان هستند که باید کلاس را به وجد آورند، پس باید تغییراتی در آموزش و پرورش ایجاد شود. چرا بچه‌ها جذب رسانه‌ها و فضای مجازی می‌شوند؟ قطعاً جذابیت‌هایی وجود دارد که این اتفاق می‌افتد و بالعکس همین نبود جذابیت بسیاری از دانش‌آموزان را از مدارس فراری می‌دهد. تا همین چند سال پیش سنین قبل از دبستان اصول سنین آموزش بوده و آموزش‌ها از دبستان که در تاریخ به ادبستان نیز شهرت داشته، شروع می‌شده و ادب را در سنین آغازین مدرسه یاد می‌دادند و آن سنین، شروع اجتماعی شدن بود. مدارس باید از حفظیات و تئوری خارج شوند، روشی که در حال حاضر وجود دارد، در تعلیم و تربیت پاسخگو نیست. اگر می‌خواهیم کودکان هم‌زمان با تعلیم، ارتباطات اجتماعی هم بیاموزند و انسان‌های فریخته و متفکر در جامعه باشند، باید از همان سنین پایین شروع کرد. اجتماع، مهارت‌هایی را تعریف می‌کند و وظیفه آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطات خارج از خانواده برعهده مربیان، معلمان و استادان و در نهایت رسانه‌ها است. فضای مجازی هم که این روزها به پهنانه کرونی بیش از قبل پایش به زندگی کودکان باز شده، ناخودآگاه در این امر دخیل و به شدت تأثیرگذار است. در این میان والدین هنجارها و تقویم یا توضیح داده شوند. کودکان پس از ۶ سالگی قدرت تشخیص و تفکر پیدا می‌کنند و می‌توان برای آنها توضیح داد و قبل از این سنین نباید اجازه داد تضادهای تربیتی برای آنها ایجاد شود، این نوع تضاد می‌تواند برای شکل‌گیری شخصیت بسیار مضر باشد. دانشمندان فرق بین بزرگسال و کودک را در داشتن تجربیات آنها می‌دانند، کودکی خردسال نسبت به بزرگسال اختلاف تجربه دارد و با کسب تجربیات می‌تواند مانند یک بزرگسال رفتار کند و رفتارهایی از خود بروز دهد که نسبت به همسالان خود بزرگ‌تر به نظر برسد. علاوه بر موارد یاد شده در بحث تعلیم و تربیت باید برنامه‌ریزی‌های درست از سنین پیش از دبستان و بویژه دبستان وجود داشته باشد، یکی از بزرگترین مشکلات در این حوزه، نبود برنامه‌ریزی‌های درست تربیتی و وجود تضاد در بین آموزش‌ها و تربیت والدین و فضای بیرون از خانه به‌عنوان مثال مهدهای کودک و مدارس است. در نهایت اگر به بچه‌ها می‌گوییم که باید در ارتباطات و روابط اجتماعی درست رفتار کنیم، در هر موردی خودمان هم باید تابع همان حرف‌ها و عقایدی باشیم که به فرزندانمان آموزش می‌دهیم، به‌عنوان مثال اگر به او می‌آموزیم باید به قوانین راهنمایی و رانندگی احترام بگذاریم ولی در یک خیابان بکطرفه در جهت خلاف رانندگی کنیم، او سردرگم کرده‌ایم، اگر خودمان به حرفی که می‌زنیم، عامل نباشیم، سبب می‌شویم شخصیت کودکیمان در بزرگسالی دچار تضادهای زیاد شود.



در گفت‌وگوی «ایران» با کارشناسان آموزش تعاملات اجتماعی کودکان در گروه همسالان بررسی شد

قدم‌های کوچک سرنوشت

گزینه یا کسانی را که دارای مشکلات شخصیتی هستند، پرورش دهیم که بعدها اصلاح رفتار آنها بسیار هزینه بر خواهد بود، یا در برخی از موارد امکان پذیر نخواهد بود.

■ **آغاز تعاملات اجتماعی پس از یادگیری تقلیدی**

دکتر رشید دوقانلو روانشناس نیز بر این باور است که تربیت فرزند امری خطیر و بسیار مهم است تا جایی که به نظر می‌رسد هدف از خلقت تربیت درست فرزندان است. او در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: به گفته آلبرت بندورا نخستین عامل مؤثر در تربیت کودک، تقلید است. یعنی کودک در نخستین گام برای آموزش، یادگیری تقلیدی را در پیش می‌گیرد و هر آنچه از رفتار و گفتار گرفته تا نحوه لباس پوشیدن را که از والدین و اطرافیان می‌بیند، تقلید می‌کند، بنابراین خانواده تا سنین ۳ و ۴ سالگی کودک در تربیت او بسیار تأثیرگذار است. اما پس از این سنین، برخی از کودکان به اقتضای شغل و شرایط زندگی والدین برای ساعاتی از روز به مهدکودک و سپس پیش دبستانی سپرده می‌شوند. هرچند که در برخی از مهدهای کودک برای تربیت و تعالی کودکان هدفمند اقدام نمی‌شود اما مشاهده می‌شود دوره پیش دبستانی و حضور کودک در میان همسالانش نقش چشمگیری در تربیت کودکان ایفا می‌کند. دکتر دوقانلو می‌افزاید: در واقع هنگامی که کودکان از چهارچوب خانواده خارج می‌شوند به نوعی با دیگران و طبیعت ارتباط برقرار می‌کنند و

یامد رفتار خود را با دیگران و طبیعت می‌بینند. کودکان بر این اساس نکات جدید را می‌آموزند و اشتباه‌های خود را اصلاح می‌کنند. مثلاً کودکان همواره در محیط خانواده مورد نوازش قرار می‌گیرند اما ممکن است از جانب مربی یا دیگر افراد به اندازه والدین خود مورد مهر و محبت قرار نگیرند. در این شرایط آنها با مفهومی به نام ناکامی آشنا می‌شوند. به گفته این روانشناس، کودکان ۴ تا ۵ ساله وارد پیش دبستانی می‌شوند. در این دوره کودکان بیشتر تعاملات اجتماعی را می‌آموزند. در پیش دبستانی دو که کودکان ۵ تا ۶ سال وارد آن می‌شوند دیگر کودک از تعامل با دیگران و ماندن در کنار همسالان خود نمی‌ترسد و وارد مهارت آموزی می‌شود. بازی کردن کودکان و حتی دعوا کردن آنها با هم سبب می‌شود بسیاری از مهارت‌های زندگی را بیاموزند. قصه گوئی موضوع مهم دیگری است که در پیش دبستانی دوسبار مورد توجه قرار می‌گیرد و کودکان بسیاری از نکات تربیتی را در قالب داستان و قصه یاد می‌گیرند. آنچه که در پیش دبستانی یک و دو بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد این است که کودکان به رشد کلامی نیز دست می‌یابند. گفته می‌شود در همین دوره حدود ۹۰۰ تا ۲۵۰ کلمه به دایره لغات کودکان اضافه می‌شود.

ولی معتقد است: حضور کودکان در جمع به خلاصی آنها از آبارتمان نشینی و مهم‌تر از آن به رشد عاطفی کودک منجر می‌شود و مانع از گوشه‌گیری آنها می‌شود.

اجتماعی شدن آنها کندتر صورت می‌گیرد. به همین دلیل ما توصیه می‌کنیم در صورت امکان کودکان از امکاناتی مانند مهدکودک و پیش دبستانی استفاده کنند. البته این را هم فراموش نمی‌کنیم که توصیه برای استفاده از این امکان فقط به خاطر حال بچه‌ها نیست و بعضاً به دلیل حال والدین مخصوصاً مادر هم هست. برخی از مادرها بنشدت خودشان را در مباحثی مانند رشد، پرورش و آموزش فرزندشان درگیر می‌کنند. بنابراین خودشان هم واقعاً با رفتن بچه به مهدکودک زمانی را برای اوقات فراغت پیدا می‌کنند. وی با اشاره به اینکه در شرایط فعلی و قرنطینه‌های هرچند نسبی ناشی از شیوع کووید ۱۹، تعاملات اجتماعی به اندازه کافی و مناسب وجود ندارد، تأکید می‌کند: در شرایط فعلی خانواده‌ها باید میزان ارتباط با فرزندانشان را بیشتر کنند و زمانی را به بازی، مطالعه با فرزندان و در کنار هم بودن اختصاص دهند. البته اینکه بچه‌ها از طریق فضای مجازی وارد گروه‌های همسال شوند و ارتباطات را برقرار کنند شاید ایده‌ای سالم و به نوعی به دور از نقص به نظر نرسد اما در بعضی اوقات ممکن است ما چاره‌ای جز این نداشته باشیم.

دکتر ابراهیمی مقدم توصیه می‌کند: ما والدین بهتر است با رعایت پروتکل‌های بهداشتی فرزندانمان را در فضاهای باز و در ارتباط با دنیای بیرون قرار دهیم و بگذاریم مرادوات و دوستی‌ها و مواردی از این دست را ببینند و با آن آشنا شوند. در غیر این صورت ممکن است ما ناخواسته فرزندانمان دوری

دوران کودکی بسیار می‌آموزد و سنگ بنا، پایه و اساس شخصیت او در همین دوران شکل می‌گیرد. متفکرانی مانند پیاژه هم معتقدند اساس معرفت و دانش در مرحله حسنی و حرکتی است که این مرحله همان دوسال اول زندگی است. وی در ادامه به افرادی که دچار مشکلات روانشناختی هستند اشاره می‌کند و می‌گوید: هنگامی که این افراد را بررسی می‌کنیم متوجه می‌شویم که بسیاری از آنها در همان دوران کودکی مسائلی مانند احساس عدم امنیت را تجربه کرده‌اند یا شاهد رابطه نامناسب و مشکلات بین پدر و مادر بودند. حتی برخی از این افراد تحت تأثیر عوامل مختلف، فجایع ویلایا یا گاهی حوادث بسیار وحشتناک‌تری مانند کودک آزاری و مسائلی از این دست قرار گرفته‌اند.

■ **نقش والدین در تربیت کودک برجسته‌است**

وی می‌افزاید: لذا به نظر می‌رسد آنچه که افراد در دوران کودکی از دنیای اطراف به دست می‌آورند آنچه از مهر و محبت و احساس امنیت، از خانواده دریافت می‌کنند سنگ بنای شخصیت آنها خواهد بود. به همین خاطر است که خیلی از کشورها به تربیت کودکان حتی قبل از تولد روی آورده‌اند. در این روش از محرک‌هایی خاص مانند صدای موسیقی یا لالایی‌هایی که مادر می‌خواند استفاده می‌شود. جنین محرک‌ها را دریافت می‌کند و به آنها واکنش می‌دهد. به این ترتیب تعلیم و تربیت او آغاز می‌شود و در دوران پس از تولد کودکی نیز ادامه می‌یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد روند زندگی چنین کودکانی در دوران بزرگسالی مثبت است. اما در مقابل چه بسا افرادی که در دوران کودکی خود با مشکلاتی مواجه بوده‌اند. یک مثال ساده افرادی هستند که در کودکی خیلی زود یا حتی خیلی دیر شیر گرفته شده‌اند. احتمال اینکه این افراد در بزرگسالی به سمت مواردی مانند استعمال سیگار و دخانیات یا لذت‌های دهانی بروند یا انسان پر حرف و وابسته‌ای شوند، زیاد است.

این روانشناس تأکید می‌کند: این دوران عمدتاً در کنار خانواده و در آغوش خانواده رسیمت پیدا می‌کند و نقش پدر و مادر در تربیت کودک بسیار برجسته است. البته سایر اعضای خانواده مانند خواهر و برادر یا اقوامی که در خانواده زندگی می‌کنند مسلمان تأثیرگذار هستند اما این تأثیر به اندازه نقش والدین نیست. باید بدانیم که رابطه پدر و مادر با یکدیگر، وضعیت روانی، نوع برخورد و مسائلی که هر کدام از والدین می‌توانند داشته باشند در حالت‌هایی که به‌عنوان حالت‌های روانی فرزند می‌شناسیم به‌طور مستقیم تأثیرگذار است.

این استاد دانشگاه می‌گوید: البته بعد از خانواده در بحث‌هایی مانند اجتماعی شدن حضور کودک در گروه همسالان در مهدکودک یا پیش دبستانی توصیه می‌شود. مخصوصاً در مورد فرزندان تنها می‌کنند و مسلمان تأثیرگذار هستند اما این تأثیر به اندازه نقش والدین نیست. باید بدانیم که رابطه پدر و مادر با یکدیگر، وضعیت روانی، نوع برخورد و مسائلی که هر کدام از والدین می‌توانند داشته باشند در حالت‌هایی که به‌عنوان حالت‌های روانی فرزند می‌شناسیم به‌طور مستقیم تأثیرگذار است.

■ **پرستور رفیعی**

آ خبردگار

روی صندلی نشسته اما پاهایش را مدام حرکت می‌دهد. مادر چشم غره‌ای به او می‌رود تا شاید برای لحظه‌ای آرام بگیرد، اما کودک بی‌تفاوت به کار خود ادامه می‌دهد، هزار گاهی هم محله‌های روی میز را برمی‌دارد، ورق می‌زند و به سمتی دیگر پرت می‌کند. مادرش با ناراحتی می‌گوید: معلوم نیست این بچه به کی رفته اصلاً آرام و قرار ندارد، فقط بازیگوشی می‌کند و به حرف هیچ‌کس هم گوش نمی‌دهد والا نه من این طوریم نه پدرش، اینها همه اثرات مهدکودک. خانمی که در کنارش نشسته با او همدردی می‌کند و می‌گوید دختر من از اون طرف بوم افتاده، صبح تا شب روی میل نشسته یا با گوشه‌های بازی می‌کند یا تلویزیون تماشا می‌کند، هرچی بهش می‌گم به کتابت هم به نگاهش بنداز انگار نه انگار، تعریف از خود نباشه اما من آدم فعالی هستم و اصلاً نمی‌تونم با بیکاری کنار بیام، پدرش هم همین طور اما یکی از فامیل‌های نزدیکمون این طوریه فکر کنم به اون رفته. همسر من می‌گه این دیگه بزرگ شده و شخصیتش شکل گرفته نمی‌شه در ستنش کرد. زن میانسالی که چند صندلی آن طرف‌تر نشسته، می‌گوید: ای بابا به این چیز نیست که، من کلی کتاب و مقاله تربیتی و روانشناسی خوندم با مشاور صحبت کردم که مثلاً پسرم را درست تربیت کنم، مهد کودک هم نرفته اما معلوم نیست بعضی از کارها و حرف‌ها از آنجای یادگرفته. کی پدرها و مادرهای ما برای تربیت ما اینقدر وقت می‌گذاشتند؟ اما ما هنوز هم مطیع حرف‌هاشون هستیم و سعی می‌کنیم همان طوره که اونها دوست دارند رفتار کنیم...

تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که از بد تولد انسان مورد توجه قرار می‌گیرد و مسیر زندگی افراد در دوران بزرگسالی را تعیین می‌کند. بسیاری معتقدند این مهم در همان سال‌های نخستین زندگی اتفاق می‌افتد و تغییر عادات رفتاری آموخته شده در سال‌های نوجوانی و بزرگسالی امکان پذیر نیست یا به سختی صورت می‌گیرد. برخی دیگر اما معتقدند انسان همواره در حال آموزش است و تعلیم و تربیت محدود به سال‌های نخستین زندگی نیست. گروهی دیگر اما تربیت هر فرد را وابسته به تعاملات خانوادگی می‌دانند و برخی دیگر رفتار کودک را وابسته به تربیت خانوادگی و اعضای خانواده نمی‌دانند و آن را به محیط‌های خارج از خانه مرتبط می‌دانند.

دکتر حسین ابراهیم مقدم روانشناس و استاد دانشگاه، بحث تربیت کودکان، بخصوص در سنین خردسالی را موضوعی مهم و حائز اهمیت عنوان می‌کند و در این باره به «ایران» می‌گوید: کسانی که در حوزه‌های روانکاو و روانپوشی فعالیت دارند و همچنین کسانی که در مباحث شناختی از دور دستی بر آتش دارند، دوران کودکی بخصوص ۵ سال ابتدایی زندگی را بسیار حائز اهمیت می‌دانند تا جایی که مدعی می‌شوند فرد در ۵ سال اول



■ حسین ابراهیم مقدم، روانشناس با اشاره به اینکه در شرایط فعلی و قرنطینه‌های هرچند نسبی ناشی از شیوع کووید-۱۹، تعاملات اجتماعی به اندازه کافی و مناسب وجود ندارد، تأکید می‌کند: در شرایط فعلی خانواده‌ها باید میزان ارتباط با فرزندانشان را بیشتر کنند و زمانی را به بازی، مطالعه با فرزندان و در کنار هم بودن اختصاص دهند. البته اینکه بچه‌ها از طریق فضای مجازی وارد گروه‌های همسال شوند و ارتباطات را برقرار کنند شاید ایده‌ای سالم و به نوعی به دور از نقص به نظر نرسد اما در بعضی اوقات ممکن است ما چاره‌ای جز این نداشته باشیم.